

بررسی آثار ایجاد یک موافقتنامه تجارت ترجیحی بین ایران و ترکیه بر جریانات تجاری و درآمدهای تعرفه‌ای ایران

خسرو منطقی*
حسین زرین اقبالی**
علی تک روستا***

در این مقاله آثار ایجاد یک موافقتنامه ترتیبات تجاری ترجیحی دو جانبه بین ایران و ترکیه مورد بررسی قرار گرفته است. برای این منظور با بکارگیری یک مدل تعادل جزئی و با استفاده از آمار دوره ۲۰۰۳-۲۰۰۲ منتج از منابع آمار بانک جهانی، آثار ایجاد موافقتنامه در قالب

*. دکتر خسرو منطقی؛ عضو هیأت علمی دانشکده امور اقتصادی.

** . حسین زرین اقبالی؛ عضو هیأت علمی دانشکده امور اقتصادی.

***. علی تک روستا؛ عضو هیأت علمی دانشکده امور اقتصادی.

E.mail: Kh-manteghi@yahoo.com

E. mail: zarrineghbal@sea.ac.ir

E. mail: atakroosta@yahoo.com

مفاهیم، ایجاد و انحراف تجارت و در سناریوهای کاهش موانع تعرفه‌ای، مورد بررسی قرار گرفته است.

نتایج حاکی از آن است که ایجاد موافقتنامه دو جانبه بین ایران و ترکیه، هرچند باعث افزایش کل حجم تجارت؛ یعنی صادرات و واردات ایران به آن کشور خواهد شد؛ اما افزایش صادرات کمتر از افزایش واردات خواهد بود که دلیل اصلی آن نیز بالاتر بودن سطوح تعرفه‌ای ایران بر واردات از ترکیه در مقایسه با سطوح تعرفه‌ای ترکیه بر کالاهای وارداتی از ایران می‌باشد. علاوه بر این؛ به رغم افزایش بیشتر واردات ایران نسبت به صادرات و در نتیجه تشدید کسری تراز تجاری ایران با کشور ترکیه، بخش اعظمی از واردات از ترکیه مربوط به کالاهای غیرمصرفی؛ یعنی کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای است که تبعات این واردات متفاوت با واردات کالاهای صرفاً مصرفی می‌باشد. همچنین پس از ایجاد یک موافقتنامه، درآمدهای تعرفه‌ای ایران نیز کاهش خواهد یافت؛ اما این موضوع در سطح کالایی و کدهای دو رقمی HS متفاوت خواهد بود. بطوریکه با توجه به مقادیر کاهش تعرفه و همچنین کاهش تقاضای واردات هر کالا درآمد تعرفه‌ای برخی از کالاها، حتی افزایش نیز خواهد یافت.

کلید واژه‌ها:

ایران و ترکیه، موافقتنامه تجارت ترجیحی، تعرفه، درآمدهای تعرفه‌ای، تجارت ترجیحی

مقدمه

امروزه گسترش تجارت، سرمایه گذارها و وابستگی متقابل بین المللی، گسترش بازارها، جهانی شدن فعالیتهای بنگاهی و بین المللی شدن تولید، به عنوان پدیده‌ای فراملیتی و شکل‌گیری نظام‌های نوین سازماندهی صنعتی، جلوه‌هایی از اقتصاد و صنعت در نظام جدید اقتصاد جهانی است. در چنین شرایطی آزاد سازی‌های تجاری در سطوح منطقه‌ای در قالب پیمان‌های منطقه‌ای و در سطح جهانی، در قالب سازمان تجارت جهانی همچنان ادامه دارد. این ترتیبات تجاری همگی بر این اصل استوار هستند که منافع مشارکت‌کنندگان را اعتلا بخشد و سبب ادغام یا همگرایی تجاری شوند و همچنین اعضا را برای ادغام موفق‌تر در نظام جدید تجارت بین المللی آماده سازد تا از این رهگذر منافع بیشتری نصیب آنها شود. البته این تحولات در اقتصاد جهانی منجر به بهبود موقعیت نسبی کشورهای در حال توسعه شده است؛ اما همه این کشورها بطور یکسان از این شرایط بهره‌مند نشده‌اند.

با نگاهی به تاریخ روابط ترکیه و ایران این نکته را می‌توان دریافت که وجود مشترکات فرهنگی و زمینه‌های همکاری اقتصادی و بازرگانی میان آنها باعث گردید که در دهه ۱۳۴۰ کشورهای مزبور به همراه کشور پاکستان اقدام به انعقاد پیمان همکاری و عمران منطقه‌ای (آر سی دی)^۱ نمایند. با شروع انقلاب اسلامی ایران و نیز تا چند سال بعد، فعالیت آر.سی.دی. به جهت عدم مشارکت ایران در آن متوقف شد و از سال ۱۳۶۸ با ابراز تمایل ایران به تجدید همکاری‌های سه جانبه بین ایران، ترکیه و پاکستان، چندین اجلاس در سطح عالی وزرای خارجه کشورها تشکیل شد که به دنبال آن هم سازمان مذکور به سازمان همکاری، اقتصادی (اكو) تغییر نام یافت.^۲

روابط تجاری ایران و ترکیه که در قالب اهداف اكو متناسب با ظرفیتهای اقتصادی آنها توسعه نیافته و مبادلات تجاری نیز کمتر در چارچوب روابط منطقه‌ای مذکور صورت پذیرفته و بیشتر به صورت دوجانبه بوده است، به موازات آشکار شدن بیشتر ابعاد، زوایا و آثار ترتیبات

^۱. Regional Cooperation For Development (RCD).

^۲. خلیل لاهیجانی افخم، توسعه روابط تجاری ایران و ترکیه، علل، انگیزه‌ها و اثرات آن بر اقتصاد ایران، معاونت

پژوهشی و برنامه‌ریزی دانشگاه تهران، (تهران، ۱۳۷۰)، صص ۸-۱۲.

تجارت منطقه‌ای، کشورهای مختلف در حال توسعه از جمله ایران نیز نگرش و برداشتهای خود از این پدیده را اصلاح کرده‌اند تا بتوانند به نحو مؤثرتری از آن در جهت منافع ملی خود بهره گیرند. طی برنامه چهارم توسعه اقتصادی ایران، حضور مؤثر در تشکل‌های منطقه‌ای و انعقاد موافقتنامه‌های تجارت ترجیحی، بویژه با کشورهای مسلمان و همسایه در دستور کار دولت ج.ا. ایران قرار گرفته است. یکی از مهمترین اقدامات انجام شده در این زمینه آغاز مذاکرات تجاری با کشور ترکیه برای دستیابی به موافقتنامه‌های تجارت ترجیحی، بین آنها است که از سال ۱۳۸۲ شروع شده است.^۱

بطور کلی میزان بهره‌مندی کشورها از امتیازات همگرایی تجاری، بستگی به میزان آگاهی آنها از اهمیت این ترتیبات از راه مطالعه اثرات ایجاد آن می‌باشد. با توجه به ملاحظات مذکور، ضرورت دارد که پیش از اقدام به تنظیم موافقتنامه‌ای از اثرات کاهش تعرفه‌ها بر کل صادرات و واردات و همچنین درآمدهای تعرفه‌ای دولت آگاهی لازم وجود داشته باشد. این مقاله سعی دارد با استفاده از یک مدل تعادل جزئی- که توسط بسیاری از محققان مورد استفاده قرار گرفته- اثرات کاهش تعرفه‌ها بر صادرات، واردات، تراز تجاری در سطح کدهای دو رقمی سیستم هماهنگ (H.S) و در سطح کل و در نهایت درآمدهای تعرفه‌ای دولت در دو سناریوی کاهش تعرفه‌ای به میزان ۱۵ درصد و ۵۰ درصد برآورد گردد. ساختار مقاله بدین صورت است که در بخش بعدی، وضعیت تجارت ایران با ترکیه و همچنین ساختار تعرفه‌ای هرکشور در قبال واردات فعلی، طی دوره (۲۰۰۲-۲۰۰۳) مورد بررسی قرار گیرد. در بخش سوم، مبانی نظری و مطالعات انجام شده درباره موضوع، مورد بررسی قرار گرفته و سپس در بخش چهارم روش‌شناسی مقاله نیز ارائه می‌گردد. نتایج برآوردها و محاسبات تحقیق در بخش پنجم ارائه می‌شود و در نهایت در بخش ششم خلاصه نتایج و پیشنهادات ارائه خواهد شد.

^۱. وزارت بازرگانی، نگاهی به همگرایی اقتصادی و موافقتنامه‌های تجارت ترجیحی، دفتر نمایندگی تام‌الاختیار تجاری جمهوری اسلامی ایران، (۱۳۸۳).

وضعیت تجارت ایران با ترکیه و ساختار تعرفه‌های آنها

بر اساس جدول (۱)، حجم تجارت ایران با ترکیه معادل ۵۹۰ میلیون دلار بوده که ۱۱۳/۲ میلیون دلار (۱۹/۲ درصد) مربوط به صادرات ایران به آن کشور و ۴۷۶/۸ میلیون دلار (۸۰/۸ درصد) مربوط به واردات ایران از کشور مذکور بوده است، بنابراین ایران در تجارت با ترکیه دارای کسری تراز تجاری معادل ۳۶۳/۶ میلیون دلار می‌باشد. همانطور که اشاره شد، واردات ایران از ترکیه، سهم عمده‌ای را در تجارت ایران با کشور مذکور تشکیل می‌دهد. بررسی‌های آماری انجام شده حاکی است که ایران در ۲۱ گروه کالایی، دارای مازاد تراز تجاری کالایی و در ۴۶ گروه کالایی دارای کسری تراز تجاری کالایی است که در مجموع منجر به کسری تراز تجاری ایران- ترکیه معادل ۳۶۳/۶ میلیون دلار شده است.

بیشترین مازاد تراز تجاری کالایی به ترتیب مربوط است به:

- مس و مصنوعات آن (کد ۷۴) با مازاد تراز تجاری معادل ۲۸ میلیون دلار؛
- سوخنها و روغنهای معدنی (کد ۲۷) با مازاد تراز تجاری معادل ۱۰/۶ میلیون دلار؛
- پوست و چرم (کد ۴۱) با مازاد تراز تجاری معادل ۹/۸ میلیون دلار؛
- فرش و سایر کفپوشها (کد ۵۷) با مازاد تراز تجاری معادل ۳/۷ میلیون دلار؛
- نمک، گوگرد، و سنگ و سیمان (کد ۲۵) با مازاد تراز تجاری معادل ۲/۲ میلیون دلار.

جدول ۱. وضعیت تجارت ایران با ترکیه طی سالهای ۲۰۰۲-۲۰۰۳

و ساختار تعرفه‌ای آنها نسبت به یکدیگر

۱۱۳,۲	صادرات (میلیون دلار)	
۴۷۶,۸	واردات (میلیون دلار)	
۵۹۰,۱	کل تجارت (میلیون دلار)	
۳۶۳,۶-	تراز تجاری ایران (میلیون دلار)	
۱۶۲	شش رقمی HS	تعداد خطوط تعرفه‌ای وارداتی از ایران
۴۳	دو رقمی HS	
۶,۶	متوسط حسابی	
۳,۶	متوسط وزنی	
۸۳۳	شش رقمی HS	تعداد خطوط تعرفه‌ای وارداتی از ترکیه
۵۶	دو رقمی HS	
۱۷,۸	متوسط حسابی	
۱۵,۷	متوسط وزنی	
۷۴,۸	درآمد تعرفه‌ای ایران (میلیون دلار)	

منبع:

۱. قانون مقررات صادرات و واردات ایران، وزارت بازرگانی، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، (۱۳۸۴).
2. The Personal Computer Trade Analysis System (PC-TAS)- The world's largest trade database on CD-ROM, UNCTAD/WTO.
3. <http://worldbank.org/>

عمده‌ترین گروه کالایی صادراتی ایران، مس و مصنوعات از مس (کد ۷۴) معادل ۲۹ میلیون دلار است؛ واردات این گروه کالایی حدود ۱/۱ میلیون دلار بوده و ایران در این کالا دارای بالاترین مازاد تراز تجاری؛ معادل ۲۸ میلیون دلار می‌باشد. دومین گروه کالایی عمده صادراتی، سوختها و روغنهای معدنی (کد ۲۷) با ۱۳ میلیون دلار می‌باشد؛ واردات این کالا از کشورهای مذکور معادل ۲/۴ میلیون دلار و تراز تجاری کالایی برابر با ۱۰/۶ میلیون دلار است. صادرات مواد پلاستیکی و اشیای ساخته شده از آن (کد ۳۹) با ۱۰/۴ میلیون دلار، رتبه

سوم را دارا می‌باشد؛ واردات کالای مذکور حدود ۳۱/۶ میلیون دلار و تراز تجاری ایران در آن دارای کسری و معادل ۲۱/۲ میلیون دلار است. پوست و چرم (کد ۴۱) با صادراتی معادل ۹/۸ میلیون دلار، چهارمین کالای عمده صادراتی ایران را تشکیل می‌دهد؛ با توجه به اینکه واردات این کالا از ترکیه انجام نمی‌شود، از مزاد تجاری کالایی برخوردار است. پنجمین کالای عمده صادراتی ایران، آلومینیوم و مصنوعات از آلومینیوم (کد ۷۶) با صادراتی معادل شش میلیون دلار است. این کالا با وارداتی معادل هفت میلیون دلار از کالاهای عمده وارداتی محسوب می‌شود؛ ایران در این کالا دارای کسری تراز تجاری نیز می‌باشد.

پنج گروه کالایی عمده صادراتی ایران در بالا بیش از ۶۰ درصد کل صادرات ایران به ترکیه را تشکیل می‌دهند و در مقابل عمده ترین کالاهای وارداتی ایران نیز شامل راکتورهای هسته‌ای دیگ بخار و آبگرم (کد ۸۴) با ۸۷/۸ میلیون دلار، چدن، آهن و فولاد (کد ۷۲) با ۴۴/۱ میلیون دلار، الیاف سنتی یا مصنوعی غیریکسره (کد ۵۵) با ۳۴/۶ میلیون دلار، وسایط نقلیه زمینی غیر از نواقل روی خط (کد ۸۷) با ۳۳/۲ میلیون دلار و مواد پلاستیکی و اشیای ساخته شده از آن (کد ۳۹) با ۳۱/۶ میلیون دلار است. کالاهای مذکور حدود ۴۹ درصد از کل واردات ایران از ترکیه را تشکیل می‌دهند.

طبق جدول (۱)، صادرات ایران به ترکیه در قالب ۱۶۲ کد کالایی شش رقمی HS مختلف و واردات به کشورهای مذکور در قالب ۸۳۳ کد کالایی گوناگون انجام می‌پذیرد. میانگین حسابی و وزنی تعرفه های ترکیه بر صادرات ایران به ترتیب ۶/۶ و ۳/۶ درصد و میانگین حسابی و وزنی تعرفه های ایران بر واردات کالا از کشورهای مذکور به ترتیب ۱۷/۸ و ۱۵/۷ می‌باشد. به رغم تنوع بیشتر کالاهای وارداتی نسبت به کالاهای صادراتی ایران، هم اکنون تعرفه‌های ایران بر کالاهای وارداتی از ترکیه بسیار بالاتر از تعرفه های ترکیه بر کالاهای صادراتی ایران است.

نرخ تعرفه برخی از گروههای کالایی صادراتی ایران؛ شامل چوب و اشیای چوبی، زغال چوب (کد ۴۴)، کائوچو و اشیای ساخته شده از کائوچو (کد ۴۰)، نمک، گوگرد، خاک و سنگ و گچ، آهک و سیمان (کد ۲۵)، محصولات دارویی (کد ۳۰)، سنگ فلز، جوش و خاکستر (کد ۲۶)، مواد قابل بافت سایر محصولات نباتی (کد ۱۴) و ماهیها و قشرداران صدفدار (کد ۰۳) صفر

است. بالاترین نرخ تعرفه معادل ۶۰/۱ درصد برای صادرات فرآورده‌های سبزیجات (کد ۲۰) وضع شده است. در سطح کدهای شش رقمی HS نیز حداکثر نرخ تعرفه کالاهای صادراتی مربوط به مخمرهای مرده (کد ۲۰۰۹۸۰) معادل ۶۰/۱ درصد، آب میوه‌ها و سبزیجات (کد ۲۰۰۹۷۰) معادل ۶۰/۱ درصد است و بطور کلی ۸۸/۳ درصد تعرفه کالاهای صادراتی ایران به ترکیه کمتر از ۱۰ درصد و مابقی بالای ۱۰ درصد می‌باشد؛ همچنین ۲۳ درصد از کالاهای صادراتی نیز دارای تعرفه صفر است.

حداقل نرخ تعرفه گروههای کالایی وارداتی ایران معادل ۴ درصد برای انگم‌ها، رزین‌ها (کد ۱۳)، لکوموتیوهای راه‌آهن (کد ۸۶) توتون و تنباکو و بدل توتون و تنباکو (کد ۲۴)، وسایل نقلیه هوایی (کد ۸۸) بوده و حداکثر نرخ تعرفه نیز معادل ۱۰۰ درصد برای کفش، گتر و اشیای همانند (کد ۶۴) می‌باشد. در سطح کدهای شش رقمی HS، حداکثر نرخ تعرفه ایران بر کالاهای وارداتی، مربوط به وسایط نقلیه دارای موتور پیستونی درونسوز تناوبی (کد ۸۷۰۳۲۳) معادل ۱۷۰ درصد است. بررسی ساختار تعرفه ای ایران در قبال واردات از ترکیه به صورت زیر می‌باشد:

۴۶ درصد از تعرفه‌ها شامل ۴۰۶ کد کالایی در دامنه بین صفر و ۱۰ درصد
 ۲۴/۹ درصد تعرفه‌ها شامل ۲۲۰ کد کالایی در دامنه بین ۱۰ تا ۲۰ درصد
 ۱۸/۷ درصد تعرفه‌ها شامل ۱۶۵ کد کالایی در دامنه بین ۲۰ تا ۳۰ درصد
 ۸/۳ درصد از تعرفه‌ها شامل ۷۳ کد کالایی در دامنه بین ۳۰ تا ۵۰ درصد
 ۲ درصد از تعرفه‌ها شامل ۱۸ کد کالایی در دامنه بین ۵۰ تا ۱۰۰ درصد
 ۰/۱ درصد از تعرفه‌ها شامل ۱ کد کالایی بیش از ۱۰۰ درصد

مبانی نظری

تاکنون نظریات گوناگونی درباره آثار موافقتنامه‌های ترجیحی بین کشورها بر روابط تجاری آنها مطرح شده، که در بین آنها جاکوب واینر (۱۹۵۰) از پیشگامان ارائه اینگونه نظریات است. اقتصاددانانی مانند «لیپسی»، «لنکستر»، «هری جانسون» و «جیمز مید» کار او را دنبال کردند. جامع‌ترین تحلیل از موافقتنامه‌های تجاری منطقه‌ای که بین اثرات خلق

تجارت و انحراف تجارت تفکیک و تفاوت قائل شد، به واینر (۱۹۵۰) برمی‌گردد. منشاء منافع ناشی از تجارت از دیدگاه کلاسیکی آن است که تجارت آزاد جهانی به مصرف کنندگان و بنگاهها، امکان خرید از منابع ارزانتر را می‌دهد و این به نوبه خود تضمین می‌کند که تولید بر اساس مزیت نسبی صورت پذیرد. در مقابل، موانع تجاری در برابر عرضه خارجی، مانع و تبعیض قائل می‌شود و باعث گسترش تولید داخلی؛ حتی با هزینه بالاتر از واردات می‌شود و نیز سبب کاهش منابع صادرات و کوچک شدن این بخش می‌گردد. واینر نشان داد که هر چند موافقتنامه‌های تجاری منطقه‌ای باعث کاهش برخی از موانع تجارت آزاد را در پی خواهد داشت؛ اما این امر لزوماً باعث ایجاد منافع ناشی از تجارت نمی‌شود و منافع ناشی از موافقتنامه‌های تجاری، زمانی بدست می‌آید که همه موانع تجاری کاهش یابد نه اینکه کاهش موانع تجاری به صورت بخشی و تبعیض آمیز همانند موافقتنامه‌های تجاری منطقه‌ای باشد. این بدان دلیل است که تبعیض بین منابع عرضه از بین نرفته؛ بلکه فقط جابجا شده است. اگر تولیدات کشور شریک تجاری جایگزین تولیدات با هزینه بالای داخلی شود، در آن صورت منافع خلق تجارت بدست خواهد آمد. اما ممکن است تولیدات کشور شریک تجاری جایگزین واردات با هزینه‌های کمتر سایر کشورهای جهان شود و با انحراف تجارت باعث کاهش رفاه کشور گردد.

«بگواتی و پاناگاریا»^۱ استدلال نموده اند که موافقتنامه‌های ترتیبات ترجیحی، فرصتهایی را برای صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس و تخصص‌گرایی بوجود آورده و راهی را برای کشورهای در حال توسعه باز می‌کند تا بتوانند به محدودیت‌های مربوط به بازارهای کوچک فایق آیند.

در نوشته‌های اقتصادی استدلال شده که اگر موافقتنامه‌های ترتیبات تجاری بین کشورهای همسایه یا شرکای طبیعی منعقد شود، اینگونه موافقتنامه‌ها به علت فاصله جغرافیایی کوتاه‌تر و هزینه حمل و نقل کمتر، نسبت به کشورهای غیر عضو- که هزینه حمل و نقل آنها از مبادی کشورهای توسعه یافته و توسط ناوگان آن کشورها صورت می‌پذیرد-

^۱. J. Bhagwati, and A. Panagariya, "Preferential Trading Areas and Multilateralism: Strangers, Friends or Foes?"; *Papers 9596-04*, Columbia - Department of Economics, (1996).

سودآورتر خواهد بود. مطالعات «پاول کروگمن»^۱ و «جفری فرانکل و دیگران»^۲ نشان داده است که مسئله نزدیکی جغرافیایی می‌تواند در توفیق موافقتنامه‌های ترتیبات تجارت ترجیحی موفق‌تر باشد و «وناکات-لوتز»^۳ نیز نشان داده که تشکیل PTA با شرکای طبیعی، دارای اثر ایجاد تجارت بیشتری نسبت به انحراف تجارت خواهد بود. در این زمینه «پال گروگمن» و «جفری فرانکل و دیگران» این مسئله را به دلیل کاهش هزینه‌های حمل و نقل عاملی برای توجیه منافع تجاری قلمداد نموده اند؛ اما «بگواتی و پاناگاریا» در مطالعه خود نشان داده اند که این نظریه قابل دفاع نمی‌باشد. «کمپ ون» نظریه ای را ارائه کرد که بعدها توسط «اویاما» تکمیل شد. آنها معتقدند که همواره امکان ایجاد یک اتحادیه گمرکی با رفاه بالاتر بین کشورهای عضو PTA وجود دارد؛ در حالیکه کشورهای غیر عضو در همان سطح اولیه رفاهی باقی می‌مانند.^۴

«ونوناکات-لوتز»^۵ و «سامرز»^۶ نشان داده اند که تشکیل PTA,S توسط کشورها با شرکای تجاری طبیعی دارای اثر خلق تجارت بزرگتر نسبت به اثر انحراف تجارت است و در این صورت موافقتنامه برای تمامی اعضا سودآور خواهد بود. در مطالعه «پاناگاریا»^۷ و «بگ واتی و پاناگاریا»^۸ نشان داده شده که حجم بالای تجارت اولیه بین کشورهای عضو به دلیل توزیع مجدد درآمدهای تعرفه‌ای، زیان قابل ملاحظه را به کشورهای مذکور وارد می‌سازد.

برای اولین بار در سال ۱۹۹۸ کارشناسان انکتاد جهت مطالعه و بررسی اثرات موافقتنامه ناحیه تجارت آزاد (FTA) بر جریان تجاری دو طرفه بین آفریقای جنوبی و اتحادیه اروپا از مدل اسمارت استفاده نموده‌اند.^۹ در این مطالعه در سطح کلی اثرات آزادسازی

^۱ Krugman, Paul, (1991).

^۲ J. Frankel, E. Stein, & S. Wei, (1995).

^۳ Paul, Wonnacott, and Mark Lutz, (1989).

^۴ حمیدرضا ارباب، «منافع اقتصادی ایران از گسترش روابط تجاری با کشورهای اگو»، پایان نامه دکتری، دانشکده علوم اقتصادی، دانشگاه علامه طباطبایی، (خرداد ۱۳۸۰).

^۵ Paul Wonnacott and Mark Lutz (1989).

^۶ Lawrence Summers (1991).

^۷ Panagariya (1995).

^۸ Panagariya, Bhagwati, (1996).

^۹ L. Jachia and E. Teljeur, "Free Trade Between South Africa and The European Union Quantitative Analysis", *TIPS Working Paper*, No.11, (July 1998).

بر تراز پرداختها و درآمد دولت و در سطح بخشی تبعات موافقتنامه مذکور بر صنایع خاص مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

در مطالعه دیگری به سال ۲۰۰۱، آزادسازی تجاری در افریقای جنوبی^۱ با استفاده از مدل تعادل جزئی مورد بررسی قرار گرفته است. تاسیکاتا (۱۹۹۹) در مطالعه دیگری ابتدا به بررسی اقتصاد کشورهای عضو موافقتنامه و سپس الگوی تجارت در بین آنها پرداخته و در ادامه ضمن بررسی پیشرفت نسبی اصلاحات تجاری در آن کشورها، گزینه‌های مختلف اثرات هماهنگ‌سازی تعرفه‌ها بر درآمدهای تعرفه‌ای دولت‌ها را مورد تحلیل قرار داده است.

«ماتیاس باس و همکاران» (۲۰۰۰) در مطالعه دیگری ایجاد موافقتنامه تجارت آزاد بین مکزیک و اتحادیه اروپا را با استفاده از مدل‌های تعادل جزئی مورد بررسی قرار داده‌اند.^۲ «ون سونتر و همکاران» (۲۰۰۱) ایجاد ناحیه تجارت آزاد بین افریقای جنوبی و هند را نیز با استفاده از مدل‌های تعادل جزئی مورد بررسی قرار داده‌اند.^۳

در برخی از مطالعات داخل کشور نیز از مدل‌های تعادل جزئی استفاده شده است. «اشرف‌زاده» (۱۳۷۵) اثرات الحاق اسپانیا و پرتغال به جامعه اروپا را بر صادرات پسته ایران به جامعه اروپا (۱۹۸۰-۱۹۹۰) مورد بررسی قرار داده و از مفاهیم ایجاد و انحراف تجارت استفاده نموده^۴ و همچنین «اریاب» (۱۳۸۰) همکاری‌های اقتصادی کشورهای عضو اکو را مورد بررسی قرار داده است. در این مطالعه آثار خلق و انحراف تجارت در ایران در اثر پیوستن به سازمان اکو طی دوره ۱۹۷۳-۱۹۹۶ مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است.^۵ «ثاقب»

^۱ D. E. Van Seventer, and M. Thambi, "A Free Trade Area Between South Africa and India: Which Commodities Matter?"; *TIPS, Policy Review Workshop*, (August 2001).

^۲ M. Busse, M. Huth, G. Koopmann, G. "Preferential Trade Agreements: The Case of EU-Mexico"; *HWWA Discussion Paper*, Hamburgisches Welt-Wirtschafts-Archiv (HWWA), Hamburg Institute of International Economics, (2000).

^۳ D. E. Van Seventer, T. Mlangeni. (2001)

^۴ سید حمیدرضا اشرف‌زاده، «اثرات الحاق اسپانیا و پرتغال به جامعه اروپا (EC) بر صادرات پسته ایران به جامعه اروپا (۱۹۸۰-۱۹۹۰)»، مجموعه مقالات سمینار شناخت استعدادها و بازرگانی - اقتصادی استان کرمان. مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، اداره بازرگانی استان کرمان و دانشگاه شهید باهنر، (فروردین ۱۳۷۵).

^۵ حمیدرضا اریاب. منافع اقتصادی ایران از گسترش روابط تجاری با کشورهای اکو، پایان‌نامه دکتری، دانشکده علوم اقتصادی، دانشگاه علامه طباطبائی، خرداد ۱۳۸۰.

(۱۳۸۴) آثار ایجاد و انحراف تجارت در نظام ترجیحات تجاری کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی (TPS/OIC)^۱ را مورد بررسی قرار داده است.^۲ در این تحقیق با استفاده از مدل شبیه سازی اسمارت، اثرات ایجاد و انحراف تجارت در یک پیمان ترتیبات تجاری فیما بین ایران و دیگر کشورهای عضو نظام ترجیحات تجاری کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در دو سناریوی کاهش ۱۰ و ۲۰ درصدی تعرفه ای برآورد شده است. نتایج نشان داده است که در اثر کاهش سطوح تعرفه‌ای توسط کشورهای عضو، واردات ایران بیش از صادرات آن با مجموع کشورهای عضو موافقتنامه افزایش خواهد یافت و این امر سبب افزایش کسری تراز تجاری ایران با کشورهای عضو موافقتنامه خواهد گردید.

روش‌شناسی تحقیق

بطور کلی تحلیل‌های کمی اثر ایجاد مناطق تجارت آزاد بر جریان‌های تجاری بین دو کشور یا از طریق مدل‌های تعادل عمومی (CGE) و یا در چارچوب مدل‌های تعادل جزئی انجام می‌شوند. یکی از مدل‌های تعادل جزئی ایستا «اسمارت»^۳ می‌باشد. این مدل توسط دبیرخانه انکتاد و با همکاری بانک جهانی، به عنوان ابزاری برای کمی یا مقداری‌سازی اثرات ناشی از تغییرات در شرایط دسترسی به بازار بر روی جریان‌های تجاری محسوب می‌شود که با استفاده از مفاهیم ایجاد و انحراف تجارت عمل می‌نماید.^۴

شایان ذکر است که مدل اسمارت توسط برخی از کشورها در مذاکرات تجاری بکار رفته و دارای مزیت‌های مختلفی است. از جمله آنکه کاربرد عملی این روش‌شناسی آسان بوده و ساده‌سازی و ارزیابی متغیرهای مورد استفاده در مدل را امکان‌پذیر می‌سازد. همچنین نتایج مطالعه اثرات ایجاد مناطق تجارت آزاد بر جریان‌های تجاری بین دو کشور به تفصیل در سطوح

۱. The Agreement on the Trade Preferential system Among Islamic Countries (TPS/OIC)

۲. حسن نایب. ایجاد تجارت و انحراف تجارت در موافقتنامه نظام ترجیحات تجاری کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی (TPS/OIC): با استفاده از مدل اسمارت در قالب سناریوهای کاهش تعرفه‌ای، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۸۴.

۳. SMART

۴. Jachia L. and Teljeur E. (1998).

کالایی به صورت تحلیلهای کمی مرحله‌ای قابل ارائه می‌باشد. به همین علت امکان بررسی دقیق اثرات تغییر سیاستهای تجاری بر تجارت فراهم می‌آید. داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز مدل اسمارت در مقایسه با سایر شکلهای ارزیابی کمتر است. در مقابل، مدل‌های تعادل عمومی علاوه بر اینکه مشکل دسترسی و قابل اعتماد بودن داده‌ها و انواع سری‌های زمانی را دارد، توانایی بیان جزئیات خطوط تعرفه را نداشته و در پی توصیف اثرات تعرفه‌های تبعیضی ترجیحی بر کل اقتصاد و بخصوص پیوندهای بین بخشی هستند، به علاوه مذاکره‌کنندگان موافقتنامه‌های تجارت ترجیحی بیشتر به تحلیل‌های جزئی در سطح کالایی نیاز دارند و تحلیل‌های جزئی روی کل دامنه متغیرها در مدل‌های تعادل عمومی، مقایسه را برای مذاکره‌کنندگان مشکل می‌سازد. مدل اسمارت می‌تواند تصویر آشکاری از آنچه که مذاکره‌کننده نیاز دارد، بخصوص در مورد بخشهای خاصی از اقتصاد که در مذاکرات مفید تر می‌باشند، در اختیار مذاکره‌کننده قرار دهد. در این روش اثرات تغییر سطوح تعرفه در الگوی تجاری کشورهای عضو هر موافقتنامه تجاری در سطح کالایی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

در این مدل، برای برآورد آثار موافقتنامه سمت صادرات و واردات بطور جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس با تلفیق نتایج به ارزیابی اثر خالص پرداخته می‌شود. از سمت واردات اثر کلی یک کاهش تعرفه ای بر واردات ایران از ترکیه در مدل اسمارت به صورت جمع دو عامل ایجاد تجارت (TC) و انحراف تجارت (TD) محاسبه می‌شود که در زیر انجام می‌شود:

الف) اثر ایجاد تجارت (TC): این اثر، افزایش واردات ترکیه از ایران، یا افزایش صادرات ایران به علت کاهش در قیمت نسبی کالاهای وارداتی در مقابل کالای تولید داخلی آن کشورها را نشان می‌دهد که نتیجه آن افزایش خالص واردات ترکیه از ایران (افزایش صادرات ایران) و کاهش خالص واردات از کشورهای غیر عضو است.

ب) اثر انحراف تجارت (TD): این اثر، افزایش خالص واردات کشورهای عضو موافقتنامه از ایران (صادرات ایران) را بر اثر کاهش در قیمت نسبی کالاهای وارداتی از ایران در مقابل واردات از کشورهای غیر عضو نشان می‌دهد که مبین ایجاد ترکیب جغرافیایی متفاوتی از واردات است و به موجب آن، واردات کشورهای عضو موافقتنامه از ایران، به ضرر واردات از

سایر کشورها افزایش می‌یابد. لازم به ذکر است که در این حالت کل واردات کشورهای عضو موافقتنامه از اعضا و غیر اعضا بدون تغییر باقی می‌ماند. همین محاسبات بایستی از بعد واردات نیز انجام شود تا بتوان اثر موافقتنامه تجارت ترجیحی را بر واردات برآورد نمود. در این مورد نیز افزایش واردات ایران از کشورهای عضو موافقتنامه را می‌توان تحت تأثیر دو عامل زیر دانست:

۱. **ایجاد تجارت (TC):** افزایش واردات ایران از کشورهای عضو موافقتنامه به علت کاهش قیمت کالاهای وارداتی ایران در اثر حذف یا کاهش تعرفه آنها- که این کالاهای وارداتی جایگزین تولیدات داخلی ایران شده و به ضرر آن تولیدات تمام خواهد شد. (ایجاد تجارت در بازار کشورهای عضو به نفع ایران)

۲. **انحراف تجارت (TD):** افزایش واردات ایران از کشورهای عضو موافقتنامه، به علت انحراف تجارت در آن کشورها که به ضرر کشورهای غیر عضو خواهد بود.

تجزیه و تحلیل کمی در سطح کدهای شش رقمی HS صورت می‌گیرد و نتایج پی در پی خلاصه شده تا اثر موافقتنامه بر صادرات و واردات ایران با هر یک از کشورهای عضو بطور مجزا و مجموع اعضای موافقتنامه اندازه‌گیری می‌شود. سپس نتایج برای اندازه‌گیری اثرات بر تراز تجاری و درآمدهای تعرفه ای دولت مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

اگرچه با توجه به تفاسیر که در پیش گفته شد، محاسبه ایجاد تجارت و انحراف تجارت، قابل فهم و آسان جلوه می‌نماید؛ اما لازم است که محاسبات مربوطه به صورت مرحله به مرحله نشان داده شود. علامت اختصاری متغیرهایی که در روش‌شناسی این تحقیق مورد استفاده قرار می‌گیرد به قرار زیر است:

$M =$ واردات

$X =$ صادرات

$P =$ قیمت داخلی

$R_p =$ قیمت نسبی

$E_m =$ کشش تقاضای واردات، نسبت به قیمت داخلی

$E_s =$ کشش جانشینی بین واردات از کشورهای عضو و غیر عضو

TC = ایجاد تجارت

TD = انحراف تجارت

اندیس ۰ مربوط به قبل از آزادسازی (یا کاهش موانع تعرفه ای) و اندیس ۱ مربوط به بعد از آزادسازی است.

در زیر به نحوه محاسبه ایجاد و انحراف تجارت و فرمول‌های آن اشاره می‌گردد:

– ایجاد تجارت:

برای محاسبه ایجاد تجارت از فرمول زیر استفاده می‌شود:

$$TC = Em \times M \times \frac{(T1 - T0)}{(1 + T0)} \quad (1)$$

که در آن:

(M): حجم جاری واردات از شرکای تجاری

(Em): کشش تقاضای واردات که بعنوان درصد تغییر در تقاضای واردات محسوب

می‌شود (وقتی که قیمت واردات در بازار داخلی به اندازه یک درصد تغییر می‌یابد).

(T1-T0): تغییرات در نرخ تعرفه واردات

همانطور که اشاره شد در مدل اسمارت، ایجاد تجارت، رابطه مستقیم با مقدار جاری واردات دارد؛ بنابراین برای آن دسته از خطوط تعرفه‌ای که قبل از اجرای موافقتنامه تجاری رخ نداده باشد، شبیه سازی نشان می‌دهد که در بعد از اجرای موافقتنامه نیز تجاری رخ نخواهد داد. لازم به ذکر است چنانچه فقدان تجارت در مورد یک خط تعرفه ای کالایی خاص به دلیل عدم وجود مزیت نسبی باشد، این تخمین کاملاً قابل قبول است؛ اما اگر نبود تجارت به دلیل بالا بودن تعرفه ها باشد، کاهش یا حذف تعرفه ها باعث افزایش شدید در تجارت، خواهد شد که در این حالت مدل اسمارت، کل آثار ایجاد موافقتنامه ترجیحی تجارت را کمتر از حد تخمین می‌زند و این مسئله نیز از نقاط ضعف مدل مذکور محسوب می‌شود.

در فرمول محاسبه اثر ایجاد تجارت مشاهده می‌شود که این اثر، متأثر از کشش تقاضای واردات است. در واقع کشش تقاضای واردات یکی از پارامترهای کلیدی است که نتایج را به صورت گسترده تحت تأثیر قرار می‌دهد. بطور کلی در مدل‌های تجارت، کششهای صادرات و واردات و متغیرهای سیاست تجاری، از متغیرهای کلیدی محسوب می‌گردند. مطابق با فرضیه «آرمینگتون»^۱ کششهای جانشینی بین کالاها با استفاده از کششهای تقاضای واردات و صادرات- که در مدل‌های تجربی دیگر برآورد شده است- به یکدیگر مرتبط می‌شوند و در این زمینه می‌توان از برآوردهای تجربی تحقیقات دیگر استفاده نمود؛ برای مثال «رابرت استرن و دیگران»^۲ در مجموعه‌ای برخی از کششهای تجاری را که بهترین تخمین در مورد مناطق و کالاهای مختلف بوده است، جمع‌آوری نمودند. اغلب این کششهای برآوردی به نسبت پایین و حول و حوش یک بوده‌اند و تحقیقات انجام یافته در این زمینه طی سالهای متمادی، منطقی بودن آنها را از لحاظ تئوریک به اثبات رسانده است. در رابطه با کشش قیمتی واردات، «گامد»^۳ مقدار ۱/۵۶- را برای افریقای جنوبی برآورد نموده است. هر چند بکار بردن یک کشش برای تمامی کالاها رضایت بخش نیست؛ اما استفاده از برخی تخمین‌ها -که علامت کشش آنها در جهت خلاف بوده و بیانگر افزایش تقاضای واردات در اثر افزایش قیمت می‌شود- غیرممکن است. در مورد برخی از کالاها نیز هیچگونه تخمینی وجود ندارد.

در این مقاله نیز ابتدا نسبت به محاسبه کشش‌های واردات کالاها اقدام شده است، اما نتایج نشان داد که این تخمین‌ها را در مدل مورد نظر نمی‌توان بکار برد؛ چرا که کشش برآورد شده، غیر واقعی و علامت آن نیز در جهت غلطی بوده است؛ مثلاً علامت کشش نشان می‌دهد که تقاضای واردات با افزایش قیمت، افزایش می‌یابد. با تفاسیر فوق، در این مطالعه نیز سعی شده است از کششهای محاسبه شده در تحقیقات پیشین استفاده گردیده و از کشش محاسبه شده توسط استرن نیز استفاده خواهد شد.

- **انحراف تجارت:** برای اندازه‌گیری اثر انحراف تجارت، فرایند محاسبه به دو مرحله تقسیم می‌شود: در مرحله اول تغییر نسبی قیمت dRP / RP اندازه‌گیری می‌گردد. برای

^۱. P. S. Armington, (1969).

^۲. R. Stern. and others (1976).

^۳. Gumede (2000).

مثال وقتی که ایران پس از موافقتنامه تجارت ترجیحی، سطوح تعرفه ای خود را کاهش داده و یا به صفر برساند، بعلت آنکه تعرفه واردات از شرکای تجاری غیرعضو همچنان باقی است، قیمت واردات از کشورهای عضو موافقتنامه نسبت به قیمت واردات از کشورهای غیر عضو متناسب با کاهش تعرفه کمتر خواهد شد. در اینصورت تغییر قیمت نسبی واردات بصورت زیر خواهد بود:

$$\frac{dRP_{Iran}}{Rp_{Iran}} = \frac{1 + T_1^{Iran}}{1 + T_0^{Iran}} - 1 \quad (2)$$

اگر تغییری در تعرفه واردات از کشورهای غیر عضو (other) ایجاد نشود، معادله به صورت رابطه (۳) تبدیل خواهد شد:

$$\frac{dRP_{Iran}}{Rp_{Iran}} = \frac{1 + T_1^{Iran}}{1 + T_0^{Iran}} - 1 \quad (3)$$

پس از محاسبه تغییر قیمت نسبی می توان انحراف تجارت را در چارچوب مدل اسمارت با استفاده از رابطه (۴) اندازه گیری نمود:

$$TD_{Iran} = \frac{M_{Iran} \times M_{other} \times \frac{dRP_{Iran}}{Rp_{Iran}} \times E_s}{M_{Iran} + M_{other} + M_{Iran} + \frac{dRP_{Iran}}{Rp_{Iran}} \times E_s} \quad (4)$$

رابطه (۴) افزایش صادرات ایران به بازار کشورهای عضو موافقتنامه را علاوه بر مقادیر ناشی از ایجاد تجارت نشان می دهد که در نتیجه، جابجایی واردات کشورهای عضو از کشورهای غیر عضو به طرف واردات از ایران حاصل می شود. در واقع واردات از عرضه کنندگان

خارجی (کشورهای غیرعضو) که قیمت واردات از آنها تغییر نیافته است، منحرف شده و واردات از ایران جانشین آن خواهد شد.

پس از معرفی مدل، آثار کاهش تعرفه بر صادرات و واردات ایران را برآورد خواهیم نمود. مجموع اثر ایجاد تجارت برای ایران در بازار ترکیه و اثرات انحراف تجارت در آن بازار به نفع ایران بوده و نشان‌دهنده افزایش صادرات ایران به ترکیه می‌باشد و از سوی دیگر مجموع اثر ایجاد تجارت و انحراف تجارت در ایران معادل افزایش در واردات ایران از ترکیه است. البته از لحاظ نظری، انحراف تجارت بر روی کل تجارت تاثیری ندارد، بطوریکه انحراف تجارت ترکیه به نفع ایران بایستی دقیقاً برابر با انحراف تجارت ترکیه از شرکای دیگر تجاری باشد.^۱ پس از محاسبه میزان افزایش در واردات و صادرات ایران، می‌توان تغییرات در تجارت و تراز بازرگانی را نیز پیش بینی نمود. همچنین تغییرات در درآمد تعرفه ای نیز بر اساس میزان واردات ایران پس از انعقاد موافقتنامه و نرخ تعرفه های جدید محاسبه خواهد شد.

نتایج و تحلیل

آثار کاهش موانع تعرفه ای پس از ایجاد PTA بین ایران و ترکیه در چارچوب مدل تعادل جزئی بصورت اثرات ایجاد و انحراف تجارت در قالب دو سناریوی کاهش ۱۵ و ۵۰ درصدی تعرفه برآورد می‌شود. ابتدا اثرات مذکور در ترکیه برای ایران و سپس در ایران برای آن کشور ارائه می‌شود و در نهایت برآیند این آثار بر صادرات، واردات، تراز تجاری و درآمدهای تعرفه‌ای در سطح کل و کدهای دو رقمی HS ارائه می‌گردد.

^۱ حسن نایب و سیف... صادقی یارنندی، «بررسی آثار موافقتنامه تجارت ترجیحی دو جانبه ایران و پاکستان: با استفاده از مدل شبیه‌سازی اسمارت»، پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۳۸، (بهار، ۱۳۸۵)، صص ۲۹۴-۲۵۹.

- اثرات ایجاد و انحراف تجارت در بازار ترکیه برای ایران

کل اثر ایجاد تجارت در ترکیه برای ایران در سناریوی اول (۰/۸ میلیون دلار و در سناریوی دوم ۲/۸ میلیون دلار برآورد شده است. همچنین اثر انحراف تجارت نیز در سناریوی اول ۰/۷ میلیون دلار و در سناریوی دوم ۲/۲ میلیون دلار پیش بینی شده است.

در سطح کدهای دو رقمی HS، میوه‌های خوراکی (کد ۰۸) و مواد پلاستیکی (کد ۳۹) بیشترین اثرات ایجاد و همچنین انحراف تجارت در ترکیه را برای ایران دارند. بیش از ۳۳ درصد از کل اثرات ایجاد و همچنین انحراف تجارت در ترکیه برای ایران مربوط به گروه‌های کالایی مذکور است.

در برخی از گروه‌های کالاهای عمده صادراتی ایران انحراف تجارت بیش از ایجاد تجارت در ترکیه خواهد بود این کالاها به ترتیب، شامل آلومینیوم و مصنوعات از آلومینیوم (کد ۷۶)، سبزیجات، نباتات ریشه و غده‌های... (کد ۰۷)، مس و مصنوعات از مس (کد ۷۴)، فرش و سایر کفپوشها از مواد نساجی (کد ۵۷)، پوست و چرم (کد ۴۱)، دانه و میوه‌های روغندار (کد ۱۲)، قهوه، چای، ماته و ادویه (کد ۰۹)، پارچه‌های نسجی آغشته، اندوده (کد ۵۹)، مصنوعات از چدن، آهن یا فولاد (کد ۷۸)، پنبه (کد ۵۲)، پشم، موی نرم (کرک) یا زبر حیوان، نخ (کد ۵۱)، نباتات زنده و محصولات گلکاری (کد ۰۶) و پارچه‌های تار و پودباف مخصوص و پارچه (کد ۵۸) خواهند بود. بنابراین در صورت کاهش سراسری تعرفه‌ها، سهم بیشتری از افزایش صادرات ایران در کالاهای فوق ناشی از انحراف تجارت در ترکیه خواهد بود. در سایر گروه‌های کالایی عکس قضیه فوق حاکم بوده و سهم بیشتری از افزایش صادرات ایران مربوط به ایجاد تجارت در آن کشور می‌شود؛ بطوریکه احتمال بیشتری وجود دارد که صادرات ایران جایگزین تولیدات داخلی ترکیه گردد.

- اثرات ایجاد و انحراف تجارت در بازار ایران برای ترکیه

بر اساس محاسبات انجام شده کل اثر ایجاد تجارت در ایران برای ترکیه در سناریوی اول ۱۶/۶ میلیون دلار و در سناریوی دوم ۵۵/۲ میلیون دلار برآورد شده است. همچنین اثر انحراف تجارت نیز در سناریوی اول ۹/۴ میلیون دلار و در سناریوی دوم ۳۰/۷ میلیون دلار

پیش بینی شده است. نتایج نشان می‌دهد که اثرات ایجاد تجارت بیش از اثر انحراف تجارت در ایران برای ترکیه خواهد بود.

در سطح کدهای دو رقمی HS، بیشترین ایجادتجارت در ایران برای ترکیه مربوط به گروه مواد پلاستیکی و اشیای ساخته شده از آن (کد ۳۹) است؛ بطوریکه حدود ۱۰/۸ درصد از کل اثرات ایجادتجارت ایران در گروه کالایی مذکور می‌گنجد. گروه کالایی راکتورهای هسته‌ای دیگ بخار و ماشین آلات مکانیکی (کد ۸۴) از دیگر کالاهایی است که بیشترین انحراف تجارت در ایران برای ترکیه را خواهد داشت و حدود ۱۶/۷ درصد از کل اثرات انحراف تجارت ایران نیز مربوط به این کالا است.

- تغییرات حجم تجارت ایران با ترکیه

صادرات ایران به ترکیه بر اساس سناریوی اول ۱/۵ میلیون دلار (با رشدی معادل ۱/۳) و بر اساس سناریوی دوم پنج میلیون دلار با رشدی معادل ۴/۴ درصد افزایش خواهد یافت. مواد پلاستیکی و اشیای ساخته شده از آن (کد ۳۹)، میوه‌های خوراکی (کد ۰۸)، چدن، آهن و فولاد (کد ۷۲)، محصولات شیمیایی آلی (کد ۲۹) و فرش و سایر کفپوش‌های دارای مواد نساجی (کد ۵۷) از بیشترین افزایش در صادرات ایران به ترکیه برخوردار خواهند بود. هرچند سهم این گروه‌های کالایی از کل صادرات فعلی ایران به ترکیه حدود ۲۰/۸ درصد است، اما در صورت ایجاد یک موافقتنامه دو جانبه بین ایران و ترکیه افزایش صادرات ایران در گروه‌های کالایی مذکور بیش از ۵۱ درصد از کل افزایش صادرات خواهد بود، که نشان‌دهنده اهمیت این کالاها در صادرات ایران به ترکیه می‌باشد.

میزان افزایش واردات ایران بیش از افزایش صادرات آن به ترکیه خواهد بود. نتایج نشان می‌دهد که واردات ایران در سناریوی اول ۲۵/۹ میلیون دلار با رشدی معادل ۵/۴ درصد و در سناریوی دوم ۸۵/۹ میلیون دلار با رشدی معادل ۱۸ درصد افزایش خواهد یافت. از آنجا که بخشی از این افزایش واردات مربوط به اثر انحراف تجارت بوده و این اثر تنها مکان جغرافیایی واردات کالا را تغییر می‌دهد، به عنوان افزایش در کل واردات ایران از جهان محسوب نمی‌شود و تنها افزایش واردات ناشی از اثر ایجاد تجارت - که جایگزین تولیدات

داخلی ایران می‌شود- را می‌توان افزایش در کل واردات ایران محسوب نمود. لذا بر اساس برآوردهای انجام شده در چارچوب مدل بکار رفته و همچنین سناریوهای در نظر گرفته شده در این تحقیق، کل واردات ایران در سناریوی اول ۱۶/۶ میلیون دلار با رشدی معادل ۳/۵ درصد و در سناریوی دوم ۵۵/۲ میلیون دلار با رشدی معادل ۱۱/۶ درصد افزایش خواهد یافت.

عمده ترین افزایش در واردات ایران از ترکیه مربوط به رآکتورهای هسته‌ای دیگ بخار و ماشین‌آلات مکانیکی (کد ۸۴)، مواد پلاستیکی و اشیای ساخته شده از (کد ۳۹)، وسایط نقلیه زمینی غیر از نواقل روی خط (کد ۸۷)، ماشین‌آلات و دستگاههای برقی (کد ۸۵) و بالاخره کائوچو و اشیای ساخته شده از کائوچو (کد ۴۴) است. این کالاها ۳۸/۷ درصد از کل واردات اولیه ایران را تشکیل می‌دهند و در صورت کاهش تعرفه‌ها در قالب یک موافقتنامه دو جانبه، حدود ۴۶ درصد از کل افزایش صادرات را به خود اختصاص خواهند داد. گروه رآکتورهای هسته‌ای دیگ بخار و آب گرم و ماشین‌آلات مکانیکی (کد ۸۴) به تنهایی ۱۸/۴ درصد از کل واردات اولیه از ترکیه و ۱۲/۵ درصد از کل افزایش در واردات ایران را تشکیل می‌دهد.

- آثار یک موافقتنامه دوجانبه بین ایران و ترکیه بر حجم تجارت و تراز تجاری ایران
بر اساس آمار سالهای ۲۰۰۲-۲۰۰۳ کل تجارت ایران (مجموع صادرات و واردات) با ترکیه معادل ۵۹۰/۱ میلیون دلار بوده است. نتایج محاسبات تحقیق نشان می‌دهد که حجم تجارت ایران با ترکیه پس از ایجاد یک موافقتنامه دو جانبه در قالب سناریوی مورد نظر افزایش خواهد یافت. بر اساس سناریوی اول حجم تجارت با رشدی به میزان ۴/۶ درصد (معادل ۲۷/۴ میلیون دلار) به ۶۱۷/۵ میلیون دلار خواهد رسید و همچنین بر اساس سناریوی دوم، حجم تجارت ایران با رشدی به میزان ۱۳/۳ درصد (معادل ۷۸/۴ میلیون دلار) به ۶۶۸/۵ میلیون دلار افزایش خواهد یافت؛ اما از آنجا که بخشی از افزایش واردات ایران از ترکیه در اثر انحراف تجاری رخ خواهد داد و در واقع سایر کشورها از ترکیه به سوی واردات تغییر مکان جغرافیایی می‌دهد، در چارچوب مدل مورد استفاده، تغییر در کل تجارت ایران ایجاد

نمی‌گردد. به همین دلیل افزایش در کل تجارت ایران با جهان در سناریوی اول ۱۸/۱ میلیون دلار و در سناریوی دوم ۶۰/۲ میلیون دلار پیش بینی می‌شود.
ایران در تجارت با کشور ترکیه دارای کسری تراز تجاری معادل ۳۶۴ میلیون دلار است؛ نتایج محاسبات حاکی از آن است که این کسری، پس از ایجاد یک موافقتنامه دو جانبه و کاهش کلیه سطوح تعرفه‌ای، به صورت سراسری افزایش خواهد یافت.

**جدول ۲. تغییرات حجم تجارت و تراز تجاری غیر نفتی ایران با ترکیه
پس از ایجاد یک موافقتنامه دو جانبه**

ارقام به هزار دلار

سناریوی دوم	سناریوی اول		
۵۹۰,۱	۵۹۰,۱	مقدار اولیه به میلیون دلار (در متوسط ۲۰۰۲-۲۰۰۳)	کل تجارت غیرنفتی ایران با ترکیه
۶۶۸,۵	۶۱۷,۵	پس از ایجاد یک موافقتنامه دو جانبه به میلیون دلار	
۷۸,۴	۲۷,۴	میزان تغییر در حجم تجارت به میلیون دلار	
۱۳,۳	۴,۶	درصد تغییر (رشد) در حجم تجارت	
۶۰,۲	۱۸,۱	تغییر در حجم کل تجارت ایران با جهان به میلیون دلار	
-۳۶۳,۶	-۳۶۳,۶	مقدار اولیه به میلیون دلار (در متوسط ۲۰۰۲-۲۰۰۳)	تراز تجاری غیرنفتی ایران با ترکیه
-۴۳۲,۰	-۳۸۸,۰	تراز تجاری پس از ایجاد یک موافقتنامه دو جانبه (به میلیون دلار)	
-۶۸,۴	-۲۴,۴	میزان تغییر در تراز تجاری (به میلیون دلار)	
۱۸,۸	۶,۷	درصد تغییر (رشد) در کسری تراز تجاری	
-۵۰,۲	-۱۵,۱	تغییر در کل تراز تجاری ایران با جهان به میلیون دلار	

مأخذ: محاسبات تحقیق.

به دلیل حجم اولیه بالاتر واردات، نسبت به صادرات ایران و همچنین سطوح تعرفه‌ای بالاتر ایران بر کالاهای وارداتی از ترکیه (۱۵/۷ درصد) در مقایسه با سطوح تعرفه‌ای ترکیه بر کالاهای صادراتی ایران (۳/۶ درصد)، با کاهش سراسری تعرفه‌ها، واردات ایران افزایش بیشتری را نسبت به صادرات آن به ترکیه خواهد داشت که این امر به رغم افزایش کل حجم تجارت و صادرات ایران به ترکیه، باعث افزایش کسری تراز تجاری ایران با ترکیه خواهد شد. بر اساس سناریوهای کاهش تعرفه‌ای، کسری تراز تجاری ایران در سناریوی اول با رشدی به میزان ۶/۷ درصد (معادل ۲۴/۴ میلیون دلار) به ۳۸۸ میلیون دلار خواهد رسید و همچنین در سناریوی دوم با رشدی به میزان ۱۸/۸ درصد (معادل ۶۸/۴ میلیون دلار) به ۴۳۲ میلیون دلار خواهد رسید.

در مورد کسری تراز تجاری نیز لازم به ذکر است که بخشی از افزایش کسری تراز تجاری ایران با ترکیه مربوط به انحراف تجاری در ایران به نفع کشور ترکیه می‌باشد که تغییری در کل تراز تجاری ایران با جهان ایجاد نخواهد کرد. بنابراین کسری کل تراز تجاری ایران با جهان در سناریوی اول، معادل ۱۵/۱ میلیون دلار و در سناریوی دوم، معادل ۵۰/۲ میلیون دلار پیش بینی می‌شود. نکته قابل تأمل آن است که هرچند افزایش در واردات ایران چشمگیرتر از افزایش در صادرات آن می‌باشد؛ اما باید توجه داشت که بیش از ۶۷ درصد از افزایش واردات ایران مربوط به کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای بوده و تنها ۲۱ درصد از آن مربوط به کالاهای مصرفی و ۱۲ درصد نیز مربوط به مواد خام است.^۱

- آثار ایجاد یک موافقتنامه دوجانبه بین ایران و ترکیه بر درآمدهای تعرفه‌ای ایران

کل درآمد تعرفه‌ای اولیه ایران در قبال واردات از کشور ترکیه معادل ۷۴/۸ میلیون دلار است. بر اساس جدول (۲) محاسبات تحقیق نشان می‌دهد که پس از ایجاد یک موافقتنامه دوجانبه، درآمدهای تعرفه‌ای ایران کاهش خواهد یافت. بطوریکه بر اساس سناریوی اول ۵/۴ میلیون دلار و بر اساس سناریوی دوم ۲۶/۲ میلیون دلار کاهش خواهد داشت.

^۱ ممان.

بیشترین میزان درآمد تعرفه‌ای ایران در سطح گروه‌های کالایی در قبال واردات از ترکیه مربوط به کد ۸۴ است. ۱۲ درصد از کل درآمد تعرفه ای ایران از واردات گروه کالایی مذکور تأمین می‌شود و به دلیل حجم بالای واردات این گروه کالایی با کاهش تعرفه در سناریوی اول حدود ۱۶ درصد و در سناریوی دوم ۱۴ درصد از کل کاهش تعرفه مربوط به آن خواهد بود؛ به عبارت دیگر افزایش واردات این گروه کالایی قادر به جبران کاهش ناشی از تعرفه نبوده و در نهایت، درآمد تعرفه ای کاهش خواهد یافت. به یقین کاهش سطوح تعرفه‌ای، کاهش درآمدهای تعرفه‌ای را نیز به دنبال خواهد داشت؛ اما در برخی از گروه‌های کالایی افزایش واردات در اثر کاهش تعرفه‌ها قادر به جبران آن کاهش بوده و در نهایت سبب افزایش درآمدهای تعرفه ای خواهد گردید. در بین گروه‌های کالایی وارداتی که درآمد تعرفه‌ای کائوچو و اشیای ساخته شده از کائوچو (کد ۴۰)، میل، مبله‌های طبی، جراحی (کد ۹۴)، کفش، گتر و اشیای همانند (کد ۶۴)، ... افزایش خواهد یافت.

خلاصه یافته‌ها و ارائه پیشنهادات

برای نشان دادن آثار ایجاد یک PTA بین ایران و ترکیه، تمامی سطوح تعرفه‌ای کالاهای مبادله شده بین دو کشور طی دوره مورد بررسی بطور سراسری ابتدا در یک سناریو به میزان ۱۵ درصد و سپس در سناریوی دیگر به میزان ۵۰ درصد کاهش داده شد. در یک مدل تعادل جزئی، کل آثار ایجاد یک موافقتنامه PTA بین دو و یا چند کشور در قالب دو اثر ایجاد و انحراف تجارت برآورد می‌شود؛ بطوریکه اثر ایجاد تجارت بیانگر افزایش واردات یک کشور عضو از کشور دیگر عضو به دلیل ارزانتر شدن کالاهای آن کشور در اثر کاهش تعرفه‌ها است که این واردات جایگزین تولیدات داخلی آن کشور عضو واردکننده خواهد شد. از سوی دیگر انحراف تجارت نیز بیانگر افزایش واردات یک کشور عضو از کشور دیگر عضو به دلیل ارزانتر شدن کالاهای وارداتی آن کشور عضو در مقایسه با کالاهای مشابه وارداتی از کشورهای غیر عضو است که این واردات تأثیری در کل واردات کشور عضو نداشته و تنها مکان جغرافیایی واردات تغییر می‌یابد. بدین ترتیب در مورد PTA بین ایران و ترکیه، مجموع اثرات ایجاد و انحراف تجارت در بازار ترکیه برای ایران معادل افزایش در صادرات ایران و

مجموع اثرات ایجاد و انحراف تجارت در بازار ایران برای ترکیه معادل افزایش در واردات ایران است.

نتایج، نشان می‌دهد که با کاهش سراسری تعرفه‌ها توسط دو کشور عضو موافقتنامه، واردات ایران افزایش بیشتری را نسبت به صادرات آن به ترکیه خواهد داشت که این امر به‌رغم افزایش کل حجم تجارت و صادرات ایران به ترکیه، باعث افزایش کسری تراز تجاری ایران با این کشور خواهد شد، اما بخشی از افزایش کسری تراز تجاری ایران با ترکیه مربوط به انحراف تجاری در ایران به نفع کشور ترکیه است که تغییری در کل تراز تجاری ایران با جهان ایجاد نخواهد کرد. بنابراین کسری کل تراز تجاری ایران به اندازه افزایش کسری تراز تجاری ایران با ترکیه افزایش نخواهد یافت؛ بلکه به میزان انحراف تجارت، این کسری کمتر خواهد بود.

نکته قابل تأمل آن است که هرچند افزایش در واردات ایران چشمگیرتر از افزایش در صادرات آن است؛ اما باید توجه داشت که بیش از ۶۷ درصد از افزایش واردات ایران مربوط به کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای بوده و تنها ۲۱ درصد از آن مربوط به کالاهای مصرفی و ۱۲ درصد نیز مربوط به مواد خام می‌باشد.

از اهداف اصلی تحقیق، برآورد آثار PTA بین ایران و ترکیه بر درآمدهای تعرفه‌ای دولت بوده است. نتایج برآوردهای تحقیق حاکی از آن است که پس از ایجاد یک موافقتنامه دو جانبه بین ایران و ترکیه، درآمدهای تعرفه‌ای ایران کاهش خواهد یافت، بیشترین میزان درآمد تعرفه‌ای ایران کدهای دو رقمی HS در قبال واردات از ترکیه مربوط به کد ۸۴؛ یعنی راکتورهای هسته‌ای دیگ‌های بخار و ماشین آلات مکانیکی می‌باشد. ۱۲ درصد از کل درآمد تعرفه‌ای ایران از واردات گروه کالایی مذکور تأمین می‌شود و به دلیل حجم بالای واردات این گروه کالایی با کاهش تعرفه در سناریوی اول حدود ۱۶ درصد و در سناریوی دوم ۱۴ درصد از کل کاهش تعرفه مربوط به آن خواهد بود، به عبارت دیگر، افزایش واردات این گروه کالایی قادر به جبران کاهش ناشی از تعرفه نبوده و در نهایت درآمد تعرفه‌ای نیز کاهش خواهد یافت. آنچه مسلم است، کاهش سطوح تعرفه‌ای، کاهش درآمدهای تعرفه‌ای را به دنبال خواهد داشت؛ اما در برخی از گروه‌های کالایی افزایش واردات در اثر کاهش تعرفه‌ها قادر به

جبران آن کاهش بوده و در نهایت سبب افزایش درآمدهای تعرفه ای خواهد گردید. نتایج محاسبات در سطح کدهای دو رقمی HS نشان می‌دهد که درآمد تعرفه ای کائوچو و اشیای ساخته شده از آن (کد ۴۰)، مبیل، مبلهای طبی، جراحی (کد ۹۴)، کفش، گتر و اشیای همانند (کد ۶۴) افزایش خواهد یافت.

بنابراین ایجاد PTA بین ایران و ترکیه، هرچند باعث افزایش کل حجم تجارت؛ یعنی صادرات و واردات ایران با آن کشور خواهد شد، اما افزایش صادرات کمتر از افزایش واردات خواهد بود که دلیل اصلی آن نیز بالاتر بودن سطوح تعرفه‌ای ایران بر واردات از ترکیه در مقایسه با سطوح تعرفه‌ای ترکیه بر کالاهای وارداتی از ایران می‌باشد. علاوه بر این باید توجه داشت که به رغم افزایش بیشتر واردات ایران نسبت به صادرات و در نتیجه تشدید کسری تراز تجاری ایران با کشور ترکیه، بخش بیشتر واردات از ترکیه، مربوط به کالاهای غیرمصرفی؛ یعنی کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای است که تبعات این واردات متفاوت با واردات کالاهای صرفاً مصرفی می‌باشد. همچنین در حدود نیمی از افزایش واردات ایران نیز مربوط به انحراف تجارت در ایران است که صرف نظر از آثار رفاهی آن از نظر کیفیت کالاهای وارداتی از ترکیه- نسبت به کشورهای غیرعضوی که قبل از ایجاد PTA، واردات آن کالاها از آن کشورها انجام می‌شد- افزایش در کل واردات کشور ایران محسوب نشده و میزان افزایش واردات برآورد شده و در نتیجه افزایش کسری تراز تجاری تنها مربوط به تجارت بین ایران و ترکیه بوده و تغییرات متغیرهای بالا در سطح کل کشور، کمتر از مقادیر برآوردی مذکور خواهد بود.

از سوی دیگر، کاهش سطوح تعرفه‌ای در کل، منجر به کاهش درآمدهای تعرفه‌ای خواهد شد. اما این مسئله در سطح کالایی و کدهای دو رقمی HS متفاوت خواهد بود؛ بطوریکه با توجه به مقادیر کاهش تعرفه و همچنین کشش تقاضای واردات هر کالا، درآمد تعرفه‌ای برخی از کالاها، حتی افزایش نیز خواهد یافت؛ چرا که افزایش واردات این کالاها در اثر کاهش تعرفه‌ها، قادر به جبران کاهش بوده و در نهایت افزایش درآمدها را منجر خواهد شد.

در نهایت لازم است به این نکته اشاره گردد که مقاله حاضر یک شبیه سازی از اثرات ایجاد یک PTA بین ایران و ترکیه در قالب سناریوهای مختلف کاهش تعرفه‌ای بصورت سراسری، توسط هر دو کشور، برای ارائه تصویری از این آثار، در سطح کل تجارت و بخش‌های تجاری انجام شده است. چنانچه بخواهیم این آثار در قالب کاهش‌های تعرفه‌ای مورد توافق در مذاکرات انجام گردد که لزوماً به صورت سراسری نبوده و در بخش‌های مختلف متفاوت خواهد بود، ضمن واقعی‌تر بودن نتایج، برای مراحل بعدی مذاکرات و احتمالاً کاهش تعرفه‌ها، رهنمودهای مناسب‌تری ارائه خواهد گردید.

پی‌نوشتها:

۱. ارباب، حمیدرضا. «منافع اقتصادی ایران از گسترش روابط تجاری با کشورهای اگو». پایان‌نامه دکتری، دانشکده علوم اقتصادی، دانشگاه علامه طباطبایی، (خرداد ۱۳۸۰).
۲. اشرف زاده، سیدحمیدرضا. «اثرات الحاق اسپانیا و پرتغال به جامعه اروپا (EC) بر صادرات پسته ایران به جامعه اروپا (۱۹۹۰-۱۹۹۸)». مجموعه مقالات سمینار شناخت استعدادهای بازرگانی-اقتصادی استان کرمان، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، اداره بازرگانی استان کرمان و دانشگاه شهید باهنر، (فروردین ۱۳۷۵).
۳. ناقد، حسن. «ایجاد تجارت و انحراف تجارت در موافقتنامه نظام ترجیحات تجاری کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی (TPS/OIC): با استفاده از مدل اسمارت در قالب سناریوهای کاهش تعرفه‌ای». مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، خرداد ۱۳۸۴.
۴. ناقد، حسن و صادقی یارنندی، سیف‌ا. «بررسی آثار موافقتنامه تجارت ترجیحی دو جانبه ایران و پاکستان: با استفاده از مدل شبیه‌سازی اسمارت». پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۳۸، (بهار ۱۳۸۵).
۵. حسن پور، یوسف. «امکان‌سنجی جهت پشتیبانی وب سایت بازار مشترک اسلامی». تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، مدیریت مطالعات بازار مشترک اسلامی، شماره ثبت ۱۴۴۶، ۱۳۸۲.
۶. وزارت بازرگانی. «نگاهی به همگرایی اقتصادی و موافقتنامه‌های تجارت ترجیحی». دفتر نمایندگی تام الاختیار تجاری جمهوری اسلامی ایران، (۱۳۸۳).
۷. زاهد طبان، علی و زارع، محمدحسن. «تجارت ترجیحی بین ج.ا.ایران و ترکیه». دفتر نمایندگی تام الاختیار تجاری ج.ا.ایران، (۱۳۸۲).
۸. لاهیجانی افخم، خلیل. «توسعه روابط تجاری ایران و ترکیه، علل، انگیزه‌ها و اثرات آن بر اقتصاد ایران». معاونت پژوهشی و برنامه‌ریزی دانشگاه تهران، (۱۳۷۰).
۹. محبی، منیره. «ارزیابی اثرات عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی با تأکید بر کالاهای کشاورزی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اقتصادی، دانشگاه علامه طباطبایی، (۱۳۷۴).

10. Baldwin, R. E., "A Domino Theory of Regionalism"., in R.E. Baldwin, P. Haaparanta and J. Kiander (eds.) *Expanding Membership in the European Union*, Cambridge University Press, Cambridge, (1995).

11. Baldwin, R., R. Forslid and J. Haaland, "Investment Creation and Investment Diversion: A Simulation Study of the EU's Single Market Programme"., *The World Economy*, No.19, (1996).

12. Ben-David, D. "Equalizing Exchange: Trade Liberalization and Income Convergence"., *The Quarterly Journal of Economics*, No.108, (1993).

13. Bhagwati, J. and Panagariya, A. "Preferential Trading Areas and Multilateralism: Strangers, Friends or Foes?"., *Papers 9596-04*, Columbia - Department of Economics, (1996).

14. Gumedé, V. "Import Performance and Import Demand Functions for South Africa"., *TIPS Working Paper*, No. 9, (2000).
15. Jachia L. and Teljeur E. "Free Trade Between South Africa and The European Union Quantitative Analysis"., *TIPS Working Paper*, No. 11, (July 1998).
16. Mc Calla, Alex. "What the Developing Countries Want from the WTO"., *The Estey Centre of International Law and Trade Policy 2 (1)*, 2001.
17. Panagariya, A. Rethinking the New Regionalism. Paper Presented at the January 1995 UNDP-World Bank Trade Expansion Project Conference, World Bank, Washington, D.C, (1995).
18. Smith, A. and A.J. Venables. "Completing the Internal Market in the European Community: Some Industry Simulations"., *European Economic Review*, No.32, (1988).
19. Summers, L. "Regionalism and the World Trading System"., In *Policy Implications of Trade and Currency Zones*, Federal Reserve Bank of Kansas, (1991).
20. Van Seventer, D. E. and Thembi, M. "A Free Trade Area Between South Africa and India: Which Commodities Matter?"., *TIPS. Policy Review Workshop*, (August 2001).
21. WTO. Secretariat World Trade Report, (2003).